

## روابط فرهنگی و سیاسی ایران و سند

پس از جوانمرگ شدن میرزاغازی (۱۰۲۱ هـ) مغولان هند استانداران خود را رأساً بسند گسیل داشتند. اولین استانداری که در (۱۱۲۲ هـ) وارد سند شد همین میرزارستم صفوی بود. در واقع قبل از اعزام میرزا رستم قرار بود میرزا عیسی ترخان ثانی که یکی از نزدیکان میرزاغازی بود بسمت استانداری سند منصوب شود اما نظر باینکه مبادا او با استفاده از روابط کهن و کمک شاه عباس حکومت ازدست رفته نیاکان خود را مجدداً در سند برقرار نماید و سرزمین سند ازدست مغول هند خارج شود از انصاف وی احتراز شد. چند سال پیش ازین شاه عباس بقندهار حمله کرده بود که در نتیجه آن روابط وی با جهانگیر پادشاه تیره شده بود لکن برای حفظ ظاهر مکاتبه بین آنان برقرار بود جهانگیر پادشاه در مورد سند چنان مصلحت دانست که برای قطع روابط بین سند و ایران میرزا رستم صفوی را بسند اعزام دارد زیرا او مخالف شاه عباس بود و در اثر همین مخالفت وطن خود را ترک گفته وارد ایندیار (۱۰۰۰ هـ) شده بود.

در قرن یازدهم هجری که قرن مغول است بسیاری از شعرای ایرانی قبل از رسیدن بهند در سند توقف میکرده اند. من باب مثل صائب تبریزی و شاکر گرد وی ملک تعظیماً قمی اول وارد سند شده و بعد بهند رفتند. امثال دیگری نیز در تاریخ ادبیات سند بچشم میخورند که دال بر این مدعا است.

محمد سعید سرمد کاشی (شهید ۱۰۷۰ هـ) در همین دوره از ایران وارد تته شده و برای مدت مدیدی در ایندیار توقف کرد و پسری در تته بود که سرمد را از مرحله خود آگاهی بجهان خدا آگاهی رسانید. او ترک بچه‌ای نبود بلکه هند و پسر دای چند بود که سرمد درباره وی چنین گفت:

خدایت کیست ای سرمد: در این دیر  
نمی دانم ای چند است یا غیر  
قرنها نفوذ ایران و فرهنگ و زبان فارسی در سند با اندازه‌ای عمیق و با سنن این دیار چنان آمیخته شده بود که در قرن یازدهم رضای تنوی در موقع سرودن مثنوی معروف

خود بنام زیبانگار (۱۰۵۲ هـ) با اینکه تمام داستان عشقی را بامشخصات سرزمین سندا انتخاب کرد و با وجود اینکه زبان مادری خود سندی رایشیرین و بهترین زبان میدانند مع الوصف اسامی محلی عاشق و معشوق را بفارسی تبدیل کرد زیرا لطف زبان فارسی نمیتوانست متحمل این اسامی شود. او درباره زبان خود میگوید :

زبان سند شیرین است شیرین  
بجای خویش رنگین است رنگین

\* \* \*

نمی‌سازم بیان را سندی آمیز  
نمایم از زبان سند پرهیز

\* \* \*

ز ملک پارس آرم پرنیان را  
چو حرف از عاشق و معشوق دانم  
بگویم نام هر یک تا بدانی  
چو در معشوق حس و ذیبت دیدم

پوشانم عروس داستان را  
بلنظ فرس هر یک را بخوانم  
بهنگامی که این دفتر بخوانی  
پی او نام زیبا برگزیدم

\* \* \*

همان شهری که میباشد مقامش  
نگار از بهر عاشق ساختم نام

نهادم شهر حسن آباد نامش  
که نقش اوست زیب لوح ایام

۱۱

در قرن دوازدهم هجری سلطه مغول در سنده بزوال گرائید و خاندان سندی نواد که بنام کلتورا معروف است سریر آرای سلطنت گردید . این خاندان اصیل سندی بود . دوره زمامداری این سلسله حکمرانان عصر طلایی زبان و ادبیات سندی است . با اینکه خاندان کلتورا از مغول فارسی گوپس از تحمل مشقات و رنجهای فراوان نجات یافته بود معذک فرهنگ و زبان فارسی برای آنان میراثی بس ارزنده و گرامی بود . در دوره سلطنت این خاندان نه تنها کتب ذیقیمت درباره رشته‌های مختلف ادبی و فرهنگی فارسی بوجود آمد بلکه شعرای بنام فارسی از این آب و خاک برخاستند بطوریکه مقام شامخ و ارجمند آنان بهیچوجه من الوجوه از شعرای هندی آن زمان کمتر نیست .

تحفة الکرام و مقالات الشعرا و غیره از جمله آثار پرازش همین دوره میباشد . مهمترین حادثه تاریخی این دوره که بایران بستگی دارد ورود نادر شاه بسند در حین مراجعت (۱۱۵۳-۱۱۵۲ هـ) از دهلی است . حکمران آندوره سند ، نورمحمد (۱۱۶۷-۱۱۳۲ هـ) با دادن خراج سالیانه روابط سیاسی خود را با ایران استوار ساخت و بدین طریق وطن و هموطنان خود را از برش شمشیر بران نادری که در اثر نابخردی محمدشاه شهردهلی و مردم دهلی را بجاک هلاک افکنده بود مصون و محفوظ گردانید .

ورود نادرشاه بسند نقشهای عمیق علمی و ادبی رایبادگار گذاشته است. از جمله شاهکارهای علمی «منشورالوصیت» نوشته نورمحمد والی سند و کتب دیگر تاریخ و ادب و در صحنه شعر قصائد و قطعات مختلف و اشعار تاریخی علیه وله نادرشاه است که شعرای سندی در موقع ورود وی بسند سروده بودند. شعرای سندی اسم نادرشاه را تلمیحاً در اشعار خود ذکر کرده اند:

کرد غارت دهلی دل آن شه مه پیکران شوخ من اندرستم کمتر ز نادرشاه نیست  
در دوره نادرى امراء و علماء و شعرای ایران بامأ موربتهای رسمی واردسند گردیدند  
از اینجمله عاشق صفاهانی، میرزا جعفر شیرازی و شعراء و عمال دیگر دولتی بودند که بسرزمین  
سند قدم گذاردند و ذکر آنان در مقالات الشعراء و تحفة الکرام موجود است. عاشق صفاهانی  
درسند بدرود حیات گفت و آرامگاه وی در گورستان مکی است. شیخ علی حزین و شاعر  
مرثیه گوی معروف ایران ملامقبل (متوفی ۱۱۵۷ هـ) نیز در همین زمان وارد خاکسند شدند.  
در ۱۱ محرم الحرام ۱۱۵۲ هـ نادرشاه در موقع حرکت ازسند بصوب ایران لقب  
شاه قلی خان بنورمحمد تفویض کرد که تاریخ آنرا شاعر دربار سند اینطور گفته است:

ای آنکه توئی بملك دولت قائم ازخوان تو افطار کند هر صائم  
تا مملکت سند شهنشاهت داد تاریخ تو شد شاه قلی خان دائم

هـ ۱۱۵۲

تا نادرشاه در قید حیات بود روابط سیاسی ما با ایران برقرار ماند. سفرای  
سند و دو فرزند والی سند تا قتل نادرشاه (۱۱۶۰ هـ) در ایران اقامت داشتند. در سال ۱۱۶۴ هـ  
موقعیکه محمد مراد از ایران بسند مراجعت کرد شعراء قصائد و قطعات تاریخی زیادی  
بمناسبت ورود وی سرودند.

### با مؤده رسیده خان عالی بوطن

هـ ۱۱۶۷

با فضل خدا خان جوان بخت رشید از راه خراسان بوطن باز رسید  
شیخ غلام محمد نیز تا آخر وقت بمنوان سفیر مقیم دربار نادرى بود سید ابراهیم  
شاه حیدرآبادى ایلچی دوم بود که ازسند بدربار ایران مشغول رفت و آمد بود.  
یکی از یادگارهای مقدس و ارزنده، عشق و علاقه مفرط میان نورمحمد کلتور اوالی  
سند با ایران هم اکنون در موزه کتابخانه مشهد موجود است. و خاطره های شیرین و فراموش  
نشدنی آن زمان را تجدید میکند. این یادگار مقدس يك نسخه نادر کلام الله مجید است که  
او در سال ۱۱۴۸ هـ قبل از ورود نادر شاه باستانه قدس که از لحاظ تزئین شاید در جهان  
بی نظیر باشد اهداء کرده بود.

## ۱۲

در قرن سیزدهم هجری زمام حکومت در دست يك خاندان ديگر محلی بنام تالپور افتاد کلمه پور با تال یعنی اولاد تال بنفسه مظهر علائق معنوی این خانواده با ایران است . روابط این سلسله حکمرانان با اندازه ای عمیق بود که نفوذ اجتناب ناپذیر ایران در سنن و رسوم و آداب، آئین فرمانروایی، فن معماری، لباس و خوراک و بطور کلی در تمام شئون حیات سند جلوه گر شد .

با سلاطین قاجاری روابط خاندان مذکور بسیار عمیق بود . رفت و آمد نمایندگان و مبادله تحف تا دیر زمانی باقی ماند . میرزا محمد علی در (۱۲۱۴ هـ) بعنوان سفیر ایران اعزام شد . او در حین مراجعت میرزا اسمعیل سفیر فتح علی شاه قاجار را با تفاق خود بسند آورد . تاریخ رفت و آمد این سفرا در دو این شعرای محلی موجود است .

سید ثابت علی شاعر مرثیه گوی معروف سند در (۱۲۱۹ هـ) پس از انجام مأموریت سفارت بسند بازگشت . میرزا مائل تاریخ مراجعت او را بشعر گفته بود . میر غلام محمد تتوی در ۱۲۲۵ هـ بعد از پایان مأموریت سفارت مراجعت نمود و تاریخ بازگشت وی نیز بشعر گفته شد .

خود حکمرانان سلسله تالپور نیز شاعر و نویسنده فارسی بوده اند این حکمرانان در نشر و شعر فارسی آثار گرانبهائی از خود بیادگار گذاشته اند .

در بار این پادشاهان مملو از شعرای فارسی گو با لاص شعرای ایرانی بوده . آنان علاقه خاص بتأسیس کتابخانه ها داشتند هر يك از سلاطین و بانوان حرم کتابخانه های جدا گانه داشتند . در این کتابخانه ها بهترین و نفیس ترین کتب فارسی وجود داشت . این کتب با اهتمام خاصی برای کتابخانه های دربار خطاطی میشد و اغلب خطاطان ایرانی بودند .

انگلیسها در موقع برقراری سلطه خود تمام این کتابخانه ها را بغارت بردند . اجزای پراکنده این کتابخانه ها از شوروی تا پاریس و از لندن تا آلمان در کتابخانه های مختلف موجود است . کتبی که از دستبرد محفوظ و مصون ماند نزد ما موجود است و بسیار ذقیمت میباشد این کتب حاصل دسترنج آندسته از خطاطان ایرانی است که در زادگاه خود معروفیت زیادی ندارند . آنان در تاریخ خطاطان آندوره سهم بسزائی را دارا میباشد . نسخ مختلف کلام الله مجید با خطاطی وصال شیرازی هم اکنون موجود است . ختمه کامل مولانا جامی بدستخط خود مولانا محفوظ است . علاوه بر سلاطین پیشین هند شاهنشاه آریامهر نیز ختمه مذکور را توشیح فرموده اند و این امر یادگار بس ارزنده از نزول اجلال موکب ملوکانه بجیدرآباد ، آخرین پایتخت سند بشمار میرود .

در همین کتابخانه اسناد و مدارک پر ارزش که متعلق بر روابط ایران و سند است تحف

وهدا یا میکه پادشاهان ایران ارسال داشته بودند موجود میباشد .  
یکی دیگر از یادگارهای ادبی دوره زمامداری سلسله تالپور- که نزد ما موجود  
است . تذکره شعرای معاصر است که سید میرحسن الحسینی شیرازی در ( ۱۲۴۰ هـ ) بنام  
زبدۃ المعاصرین برای سلاطین سلسله تالپور تألیف کرده بود . در این کتاب پرارزش با ذکر نام  
اغلب شعرای ایرانی برخورد میکنیم که شاید پژوهندگان ادبیات ایران درباره آنان کمتر  
اطلاع دارند .

در مسطور فوق ذکری از نفوذ ایران در شئون مختلف حیات و سبک معماری سند  
بمیان آمده است آخرین نمونه تشابه نزدیک ، آثار خرابه‌های عمارت کوچکی در قلعه حیدرآباد  
است که گوئی عیناً عالی قاپو کوچک اصفهان است .

### ۱۳

در اواسط قرن سیزدهم اول درهند و بعداً درسند نفوذ و سلطه انگلیسها عمیق‌تر  
گردید مسلمانان از این امر غافل نبودند . لکن قدرت حکمرانان مسلمان با اندازه‌ای ضعیف  
و شیرازه وحدت و یگانگی بحدی از هم گسیخته و با جزای کوچکی منقسم شده بود که مقاومت  
در برابر يك نیروی تازه نفس خارجی برای آنان مقدور نبود . جرائد ، مجلات ، کتب و دواوین  
شعراى آن زمان گواه بر آنست که مسلمانان چه از هند و چه از سند چشم خود را بسوی ایران  
دوخته بودند ، آنان مطمئن بودند که کمک ایران در دقائق مخاطره آمیز نجات بخش آنان  
خواهد بود .

يك تن از شعراى هندی آن دوره بنام ظهورالله نواکه نیاکانش در قرن هفتم هجری  
از ایران وارد هند شده بودند بادلای افسرده از اوضاع و اژگون بخت هند و سند با ایران رفت  
و پس از ورود در حضور میرزا زکی نوه میرزا مهدی مؤلف تاریخ جهانگشای نادری این شعرا  
قرائت کرد :

تنگ دل بیمار جان بر لب بایران آمدم اندر این دارالشفای محتاج درمان آمدم  
در آن زمان فتح علی شاه قاجار (۱۸۳۴-۱۸۹۷ میلادی) برای ایران حکومت میکرد .  
میرزا زکی این شاعر سوخته جان را بفتحعلیخان صبا (متوفی ۱۳۳۸ هـ) معرفی کرد و سپس  
بتوسط وی در حضور شاه باریافت . در این موقع ظهورالله نوا قصیده‌ای را که مملو از اندوه و  
ملال بی پایان بود قرائت کرد که مطلعش چنین است :

در هنداز بد گوهراں آفت پدیدار آمده شد سبز نخل فتنه‌ها ظلم و بلا یار آمده  
سپس میگوید :

احوال هندوستان زمن کن گوش ای شاه زمن درهند و سند و همود کن رایت نگو سار آمده

نوا در این قصیده گفته است . ای یاران روزیکه پیغامبر مژده خواهد آورد که شاه ایران در راه خود بهند تا قندهار رسیده است ما دهنش را از قند پر خواهیم کرد .  
سازد ز قندش پردهن گوید چو بینی ناگهان  
یاران پی هندوستان شام بقندهار آمده  
انگلیسها برای اینکه راه قندهار ایران و آسیای میانه راهموار و پرروی خود باز  
کنند صلاح دانستند در حله نخست سند را اشغال کنند . از همین جهت بود که آنان چهارده  
سال پیش از اشغال دهلی (۱۸۵۷ میلادی) سند را در ۱۸۴۳ میلادی بتصرف خود در آوردند .  
آخرین یادگار از روابط بین حکومت مستقل سند و ایران يك نسخه بسیار نفیس  
و ذقیمت کلام الله مجید است که امیر محمد نصیر خان - آخرین سلطان سلسله تالپورها - در  
(۱۲۵۸ هـ) با ستانه قدس رضوی اهداء کرد . این نسخه گرانبها تا امروز زینت بخش موزه  
آستانه قدس است و از لحاظ تذهیب و تزئین از نسخه‌ای که یکصد سال پیش فرستاده شد  
بهیچوجه کمتر نیست .

قطعه معروفی که شادروان فرصت شیرازی نویسنده بزرگ آخرین دوره (۱۳۳۹) -  
(۱۲۷۱ هـ) سرود نیز برای ما از جمله یادگارهای مقدس وارزنده از ایران عزیز میباشد . او  
این قطعه را موقعیکه با اتفاق امیر مددعلی خان - یکی از امراء معروف سلسله تالپور بزیارت  
عبات عالیات عزیمت نموده بود بنا به تقاضای نامبرده سروده بود :

بزرگ خطه هند و امیر کشور سند  
بزرگواری کز عقل و دانش و تدبیر  
که نام نامی او خود علی مدد خان شد  
بدهر غیرت اعشی و رشک حسان شد

\* \* \*

پس آنکه از پی تاریخ این زیارت میر  
زهوش فرصت آورد سر پس آنکه گفت  
خرد بمرصه فکر و خیال پویان شد  
علی مدد مددش از علی عمران شد  
۱۲۸۹ + ۱۲۹۴ هـ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نمیگویم چنین کن یا چنان کن  
خدارا با هر چه می‌زیبد همان کن  
استاد خلیلی افغانی

الهی هر چه شایان است آن کن  
چه داند بنده اسرار خداوند